ت تهیه فایل ورد این مقاله به سایت DaneshResan.com مراجعه نمایید و عنوان مقاله را جستجو کنید
بیش از ۲ میلیون مقاله فارسی در این سایت موجود میباشد

مطالعات زنان سال ۶، شماره‌ی ۱ | بهار و تابستان ۱۳۸۷ | صص ۵۳-۶۹

تأثیر دشواری کار زنان شاغل و هم‌کاری همسران در امور منزل بر رضایت از روابط زناشویی و اختلال‌های رفتاری فرزندان

زهرا اقدامی
کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی
دکتر مسعود حسین‌چاری
استادیار دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر دشواری کار زنان شاغل و هم‌کاری همسران آن‌ها در امور منزل، بر رضایت از روابط زناشویی در وهله‌ی اول، و سپس بر اختلالات رفتاری فرزندان انجام گرفته‌است. ۱۵۰ مادر شاغلِ دارای فرزند در مهد کودک‌های شهر شیراز، به عنوان نمونه‌ی پژوهش، چهار پرسش‌نامه‌ی اختلالات رفتاری کودکان، دشواری کار، هم‌کاری همسر، و رضایت از روابط زناشویی را تکمیل کردند و نتایج نشان‌گر آن بود که دشواری کار زنان شاغل، پیش‌بینی‌کننده‌ی رضایت از روابط زناشویی نیست، اما هم‌کاری مردان در امور خانه، به طور مثبت پیش‌بینی‌کننده‌ی رضایت از روابط زناشویی است؛ هم‌چنین، در حالی که دشواری کار، تنها می‌تواند پرخاش‌گری کودکان را به طور مثبت پیش‌بینی کند، بر اساس رضایت از روابط زناشویی می‌توان پرخاش‌گری، گوشه‌گیری، و اضطراب کودکان را به طور منفی پیش‌بینی کرد. با توجه به یافته‌های این پژوهش و پژوهش‌های پیشین، پیشنهادهایی برای بررسی بیش‌تر این موضوع مطرح شده‌است.

واژگان کلیدی

دشواری کار زنان؛ هم‌کاری همسر؛ رضایت از روابط زناشویی؛ اختلال‌های رفتاری کودکان؛

جهت تهیه فایل ورد این مقاله به سایت DaneshResan.com مراجعه نمایید و عنوان مقاله را جستجو کنید
بیش از ۲ میلیون مقاله فارسی در این سایت موجود میباشد

با رشد روزافزون و گسترش اشتغال زنان در بیرون از خانه، ساخت خانواده و نقش‌های والدین دچار دگرگونی شده و در روابط همسران با یک‌دیگر و روابط مادر و پدر با فرزندان نیز تغییراتی به وجود آمده‌است (پارسل و مناغان[1] b۱۹۹۴). اشتغال مادر و عدم حضور تمام‌وقت وی در خانه، با تأثیر کمّی و کیفی بر مراقبت از کودکان، به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر سلامت روانی کودکان مطرح می‌شود (روبرتز[2] ۲۰۰۲) و با در بر گرفتن دامنه‌یی وسیع از الگوهای کاری، از تمام‌وقت تا پاره‌وقت، ممکن است بر شاخص‌هایی چون سازگاری اجتماعی و عاطفی، رشد هوشی، و کارکرد فرزندان در مدرسه نیز اثری طولانی‌مدت گذارد (گات‌فرید، گات‌فرید، و بث‌راست[3] ۱۹۸۸؛ بایدر و بروکس-گان[4] ۱۹۹۱؛ هان، والدفوگل، و بروکس-گان[5] ۱۹۹۹؛ بائوم[6] ۲۰۰۴).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اشتغال زن، زمانی موجب بروز اضطراب و یا سایر علائم روانی در او و همسرش می‌شود، که زن در اثر نقش‌های متعدد شغلی و خانوادگی دچار تعارض شود (اونادی ۱۳۸۰). در مواردی که زنان، به‌ویژه آنان که دارای فرزند اند، به علت حجم زیاد فعالیت‌ها، برای انجام بهینه‌ی نقش مادری و همسری همراه با اشتغال تحت فشار قرار می‌گیرند، اگر مردان با هم‌کاری در امور خانه، همسر شاغل خود را تحت حمایت عاطفی قرار دهند، کیفیت مطلوب زندگی مشترک حاصل خواهدشد. پژوهش *عباسی گرمرودی* (۱۳۷۵) نشان داد که زنان شاغل، بیش از زنان غیرشاغل، از زندگی زناشویی احساس رضایت می‌کنند، ولی این رضایت با افزایش سطح رضایت شغلی، تحصیلات، سن، و درآمد خود آنان تغییری نمی‌کند. از نظر مادران شاغل، اشتغال، اثراتی مفید بر روابط خانوادگی با همسر و فرزندان دارد و به عنوان راهی برای برآورده کردن نیازهای عاطفی، رشدی، اجتماعی، و مادی فرزندان مطرح می‌شود (واندل و رامانان[7] ۱۹۹۲؛ بناسیچ و بروکس-گان[8] ۱۹۹۶).

هیوس‌تون و *آرون‌سون*[9] (۲۰۰۵) نشان داده‌اند که اشتغال تمام‌وقت مادران، بهداشت روانی خانواده را به طور منفی تحت تأثیر قرار می‌دهد. در خانواده‌های زنان شاغل، آن‌چه موجب بروز اختلافات خانوادگی می‌شود سختی کار است (یوسفی ۱۳۸۰)، هرچند که متغیرهای دیگر مانند تعداد فرزندان، سواد زن و شوهر، مدت ازدواج، سابقه‌ی خدمت زن، و سن و درآمد او نیز نباید از نظر دور بماند. بروز اختلافات، با سواد و درآمد زن و شوهر، رابطه‌یی

[1] *Parcel, Toby L.*, and *Elizabeth G. Menaghan*
[2] *Roberts, Paul*
[3] *Gottfried, Adele Eskeles*, *Allen W. Gottfried*, and *Kay Bathurst*
[4] *Baydar, Nazli*, and *Jeanne Brooks-Gunn*
[5] *Han, Wen-Jui*, *Jane Waldfogel*, and *Jeanne Brooks-Gunn*
[6] *Baum, Charles L.*
[7] *Vandell, Deborah Lowe*, and *Janaki Ramanan*
[8] *Benasich, April Ann*, and *Jeanne Brooks-Gunn*
[9] *Huston, Aletha C.*, and *Stacey Rosenkrantz Aronson*

ت تهیه فایل ورد این مقاله به سایت DaneshResan.com مراجعه نمایید و عنوان مقاله را جستجو کنید
بیش از ۲ میلیون مقاله فارسی در این سایت موجود میباشد

منفی، و با بقیه‌ی متغیرها رابطه‌یی مثبت دارد؛ بدین صورت که با افزایش سواد و درآمد زن و شوهر، اختلافات کاهش می‌یابد (همان). *بوث* و هم‌کاران[1] (۱۹۸۴، برگرفته از یوسفی ۱۳۸۰) اعتقاد دارند که اشتغال زن، در بسیاری از موارد، با نقش‌های وی در خانه سازگار نیست و آغاز بگومگوهای لفظی میان زن و شوهر، به همین دلیل، در نهایت می‌تواند به عدم ثبات زندگی زناشویی منجر شود.

نتایج پژوهش *مهدی‌زادگان* (۱۳۷۰) نشان داد که اختلالات هفت‌گانه‌ی کودکان (شامل اختلال خواب، افسردگی، اضطراب، مکیدن انگشت، شب‌ادراری، جویدن ناخن، و بهانه‌گیری) در فرزندان مادران خانه‌دار کمی بیش‌تر از مادران شاغل است، اما برخی پژوهش‌گران (برای نمونه، روزن‌تال[2] ۱۹۹۳) معتقد اند که اشتغال مادر در سنین پایین فرزندان، بر نمره‌های آزمون‌های شناختی تأثیری منفی دارد و می‌تواند رشد رفتاری کودکان را متأثر سازد؛ هم‌چنین یافته‌های این پژوهش‌گران نشان داد کودکانی که شغل مادران آن‌ها ثبات و پیچیدگی بیش‌تری دارد، مسائل و مشکلات رفتاری را کم‌تر تجربه می‌کنند. در پژوهشی که *هوشنگ* (۱۳۷۸) انجام داد، معلوم شد که اشتغال مادران تأثیری مثبت بر کاهش بروز اختلالات عاطفی-رفتاری کودکان دارد، ولی *کاووسیان* و *کدیور* (۱۳۸۴) گزارش داده‌اند که بین اشتغال مادر و خودپنداره‌ی نوجوانان دبیرستانی، رابطه‌ی منفی وجود دارد. *دانش* و *سلیمی‌نیا* (۱۳۸۵) نیز شدت نیاز به اکتساب و سازندگی را در فرزندان مادران شاغل بیش‌تر می‌دانند. *گوردون*، *کست‌نر*، و *کورن‌من*[3] (۲۰۰۷) نتیجه گرفتند که اشتغال مادران، به‌تنهایی، تأثیری معنادار بر میزان بیماری‌های کودکان ۱۲ تا ۳۶ماهه ندارد و یافته‌های برخی پژوهش‌گران (برای نمونه، واندل و رامانان ۱۹۹۲؛ راجرز، پارسل، و مناغان[4] ۱۹۹۱؛ پارسل و مناغان ۱۹۹۰) نیز حکایت از آن دارد که مشکلات رفتاری یا کارکرد شناختی (مثلاً نمره‌های آزمون واژگان تصویری پی‌بادی[5]) در کودکانی که مادران شاغل دارند، در مقایسه با کودکانی که مادران‌شان شاغل نیستند، از نظر آماری متفاوت نیست. *پارسل* و *مناغان* (a۱۹۹۴)، و *مک‌کارتنی* و *روزن‌تال*[6] (۱۹۹۱) بر آن اند که اثرات اشتغال مادران بر وضعیت رفتاری فرزندان، به کیفیت و کمیت کار آن‌ها بستگی دارد. بر پایه‌ی نظر این دو پژوهش‌گر، زمانی که کار، مورد علاقه‌ی مادران و دارای فشاری کم‌تر باشد، آن‌ها می‌توانند پاسخ‌گوی فرزندان و فراهم‌کننده‌ی محیط‌هایی محرک برای آن‌ها شوند.

---

[1] *Booth, Alan*, *David R. Johnson*, *Lynn White*, and *John N. Edwards*
[2] *Rosenthal, Saul*
[3] *Gordon, Rachel A.*, *Robert Kaestner*, and *Sanders Korenman*
[4] *Rogers, Stacy J.*, *Toby L. Parcel*, and *Elizabeth G. Menaghan*
[5] Peabody Picture Vocabulary Test (PPVT)
[6] *McCartney, Kathleen*, and *Saul Rosenthal*

نتایج برخی پژوهش‌ها (برای نمونه، احمدی و تقوی ۱۳۸۲؛ ابراهیمی ۱۳۷۲) بیان‌گر آن است که فرزندان مادران شاغل، نسبت به کودکانِ مادران غیرشاغل، سازگاری بیش‌تری دارند؛ هرچند که صرف اشتغال مادر منجر به افزایش سازگاری نمی‌شود و با در نظر گرفتن سطح تحصیلات و رضایت مادر از کار است که تأثیر مثبت اشتغال مادران بر سازگاری فرزندان قابل‌تبیین است؛ یعنی هر چه سطح تحصیلات مادران شاغل بالاتر باشد، سازگاری فرزندان به طوری معنادار بیش‌تر است (ابراهیمی ۱۳۷۲). بر پایه‌ی نظر *رام*[1] (۲۰۰۶)، شاغل بودن مادر باعث ایجاد اضافه وزن، رفتارهای مخاطره‌آمیز مانند سیگار کشیدن و مصرف الکل نوجوانان، و پی‌آمدهایی زیان‌بار برای رشد شناختی است، اما یافته‌های *اوفن‌باو* و *جیتل‌من*[2] (۲۰۰۴) نشان می‌دهد که اشتغال مادران، نه‌تنها با افزایش درگیری نوجوانان در فعالیت‌های مخاطره‌آمیز نوجوانی ارتباط ندارد، بلکه اثرات مثبت آن، مانند الگودهی، نقش مثبت، و اجازه دادن به نوجوان برای کسب استقلال، اثرات زیان‌بار این فعالیت‌ها را کاهش می‌دهد.

به نظر می‌رسد تکیه بر این نظر معقول است که هر چه تقسیم وظایف و مشارکت همسران در منزل بیش‌تر باشد، رضایت از روابط زناشویی نیز افزایش می‌یابد و این امر موجب روابط بهتر پدر و مادر با فرزندان و کاهش ناسازگاری‌ها و اختلالات رفتاری آنان می‌شود. بنا بر این، در خانواده‌هایی که مادران شاغل اند، می‌توان هم‌کاری مردان در امور منزل را به عنوان متغیری که اختلالات رفتاری فرزندان را به طور منفی پیش‌بینی می‌کند در نظر گرفت.

با توجه به یافته‌های ناهماهنگ (و در برخی موارد متناقض) در مورد تأثیر اشتغال زن بر خانواده، پژوهش حاضر بدین منظور انجام شد که در وهله‌ی اول اثر دشواری کار مادران و میزان هم‌کاری همسران آن‌ها در امور منزل را بر رضایت آنان از روابط زناشویی مورد بررسی قرار گیرد و سپس تأثیر این متغیرها (یعنی دشواری کار مادران، رضایت آنان از روابط زناشویی، و هم‌کاری همسران آنان در امور منزل) بر اختلالات رفتاری فرزندان تحلیل شود؛ بدین ترتیب پژوهش حاضر بر آن است تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱- آیا دشواری کار زنان، رضایت از روابط زناشویی را به طور منفی پیش‌بینی می‌کند؟

۲- آیا دشواری کار زنان، اختلالات رفتاری کودکان را به طور مثبت پیش‌بینی می‌کند؟

۳- آیا مشارکت مردان در امور خانه، رضایت از روابط زناشویی را به طور مثبت پیش‌بینی می‌کند؟

۴- آیا مشارکت مردان در امور خانه، اختلالات رفتاری کودکان را به طور منفی پیش‌بینی می‌کند؟

---

[1] *Ruhm, Christopher J.*
[2] *Aughinbaugh, Alison*, and *Maury Gittleman*

۵- آیا رضایت از روابط زناشویی، اختلالات رفتاری فرزندان را به طور منفی پیش‌بینی می‌کند؟

۶- آیا دشواری کار زنان (به صورت مثبت)، و هم‌کاری مردان و رضایت از روابط زناشویی (به طور منفی)، به طور هم‌زمان اختلالات رفتاری فرزندان را پیش‌بینی می‌کنند؟

روش

جامعه‌ی آماری، نمونه، و روش جمع‌آوری اطلاعات

پژوهش حاضر در سطح مهد کودک‌های شهر شیراز انجام شد و اعضای نمونه، ۱۵۰ نفر از مادران شاغل بودند که فرزندی در دوره‌ی مهدکودک داشتند. برای انتخاب این نمونه، از روش نمونه‌گیری خوشه‌یی تصادفی استفاده شد؛ بدین ترتیب که از بین مهد کودک‌های سطح شهر شیراز، ۱۱ مهد کودک، به طور تصادفی، انتخاب شد و مادران شاغلی که فرزندی در مهد کودک داشتند، مورد بررسی قرار گرفتند. تعداد و درصد مشاغل مادران حاضر در این پژوهش، بر اساس رتبه‌بندی مشاغل خیر (۱۳۷۶) در **جدول ۱** ارائه شده‌است. پس از شناسایی مادران شاغل و قبل از ارائه‌ی پرسش‌نامه‌ها، به منظور جلب هم‌کاری مادران، به طور شفاهی، توضیحاتی در مورد شیوه‌ی تکمیل پرسش‌نامه‌ها و هدف پژوهش ارائه شد.

جدول ۱- فراوانی و درصد مادران بر حسب شغل

مشاغل	فراوانی	درصد
پزشک متخصص / استاد دانشگاه	۶	۴/۰
پزشک / دندان‌پزشک / روان‌شناس	۱۳	۸/۷
وکیل / قاضی	۶	۴/۰
دبیر / پرستار / نظامی	۴۱	۲۷/۳
حساب‌دار / کتاب‌دار / کاردان بیهوشی	۴	۲/۷
کارمند / ماشین‌نویس	۷۷	۵۱/۳
فروشنده	۳	۲/۰
جمع	۱۵۰	۱۰۰

ابزارهای گردآوری اطلاعات

۱- پرسش‌نامه‌ی دشواری کار- جهت جمع‌آوری اطلاعات در مورد دشواری کار، از مقیاس پژوهش‌گرساخته‌یی از نوع لیکرت پنج‌بخشی، با امکان انتخاب گزینه‌های «کاملاً

موافق ام»، «موافق ام»، «نظری ندارم»، «مخالف ام»، و «کاملاً مخالف ام» استفاده شد، که نمره‌ی پنج، به گزینه‌ی «کاملاً موافق ام» و نمره‌ی یک، به گزینه‌ی «کاملاً مخالف ام» تعلق گرفت. به منظور تهیه‌ی ابزار، با مراجعه به متون پژوهشی مربوط به موضوع اشتغال، شرایط کاری، رفتار سازمانی، روابط کارفرما و کارکنان، و نظایر آن، تعدادی گویه در مورد دشواری کار به دست آمد. با توجه به این که در پژوهش حاضر از سه مقیاس دیگر هم استفاده‌می‌شد، محتوای گویه‌ها به گونه‌یی تنظیم شده‌بود که با وجود کم بودن، دربرگیرنده‌ی جامعیت و شمول بیش‌تری باشد. پرسش‌نامه‌ی اولیه (شامل ده گویه) در اختیار تعدادی از استادان و دانشجویان دکتری روان‌شناسی و نیز استادان مدیریت قرار گرفت و از آنان خواسته‌شد روایی محتوایی گویه‌ها را مورد ارزیابی قرار دهند. در نهایت، تنها هشت گویه، که مورد توافق بیش‌ترین ارزیابی‌کنندگان (هفت نفر از ۱۰ نفر) بود، در نسخه‌ی اصلی پرسش‌نامه گنجانده‌شد.

به منظور بررسی روایی سازه‌یی پرسش‌نامه، شیوه‌ی آماری تحلیل عاملی[1] به روش مؤلفه‌های اصلی[2] مورد استفاده قرار گرفت. در تحلیل انجام‌شده، چهار گویه به دلیل بار عاملی[3] پایین حذف شدند و بر روی گویه‌های باقی‌مانده، تحلیل عاملی مجدد انجام شد. مقدار عددی شاخص کفایت نمونه‌گیری کای‌زر-مه‌یر-اولکین[4] (۰/۷۳) و نیز مقدار عددی شاخص χ^2 در آزمون کرویت بارت‌لت[5] معنادار بود و حکایت از کفایت نمونه و متغیرهای انتخاب‌شده برای انجام تحلیل عاملی داشت ($\chi^2 = ۱۰۲/۲۵۳$ ؛ $df = ۶$ ؛ $p < ۰/۰۰۰۱$). با ملاک قرار دادن بارهای عاملی بالاتر از ۰/۳۰ و شیب نمودار اسکری[6]، نمره‌ی نهایی آزمودنی‌ها در یک عامل اصلی، به نام دشواری کار، محاسبه‌شد و در تحلیل‌ها مورد استفاده قرار گرفت. گفتنی است که بار عاملی گویه‌ها در تحلیل عاملی نهایی، از ۰/۶۲ تا ۰/۸۱ در نوسان بود.

برای تعیین پایایی پرسش‌نامه‌ی دشواری کار، از روش آلفای *کرون‌باخ* استفاده‌شد، که مقدار عددی ضریب پایاییِ حاصل، برابر با ۰/۷۴ بود.

۲- مقیاس هم‌کاری همسر- مقیاس میزان هم‌کاری همسران در امور خانه، که به وسیله‌ی خیر و *سامانی* (۱۳۸۳) طراحی شده و شامل هفت گویه است، میزان هم‌کاری مردان را در هفت بُعد تمیز کردن خانه، خرید مواد مورد نیاز، آشپزی، تربیت فرزندان، رفت و آمد، امور تحصیلی فرزندان، و تعمیر و سرویس لوازم خانه مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در این

[1] Factor Analysis
[2] Principal Components
[3] Factor Load
[4] Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy
[5] Bartlett's Test of Sphericity
[6] Scree Plot

مقیاس، که گویه‌های آن با امکان انتخاب گزینه‌های «کاملاً موافق ام»، «موافق ام»، «نظری ندارم»، «مخالف ام»، و «کاملاً مخالف ام» ارائه می‌شود، نمره‌ی پنج به گزینه‌ی «کاملاً موافق ام»، و نمره‌ی یک به گزینه‌ی «کاملاً مخالف ام» تعلق می‌گیرد.

خیر و *سامانی* (۱۳۸۳) با ارائه‌ی شواهدی دایر بر روایی مقیاس مذکور، پایایی مقیاس هم‌کاری همسر را به روش آلفای کرون‌باخ برابر با ۰/۸۰ گزارش داده‌اند. در پژوهش حاضر نیز مقدار عددی ضریب آلفای کرون‌باخ برابر با ۰/۸۲ است.

۳- پرسش‌نامه‌ی رضایت از روابط زناشویی- مقیاس رضایت از روابط زناشویی دارای ۱۷ گویه، با طیف لیکرت پنج‌گزینه‌یی از «کاملاً موافق ام» تا «کاملاً مخالف ام»، است و نمره‌ی پنج به «کاملاً موافق ام» و نمره‌ی یک به «کاملاً مخالف ام» تعلق می‌گیرد. گویه‌های این مقیاس بر اساس مصاحبه‌های انجام‌شده با خانواده‌ها و مرور متون پژوهشی مربوط به دست آمد و روایی محتوایی آن‌ها نیز با استفاده از نظر متخصصان تأیید شد. با بررسی روایی این آزمون از روش تحلیل عاملی، مقدار شاخص کفایت نمونه‌گیری کای‌زر-مه‌یر-اولکین ۰/۹۳ به دست آمد و مقدار χ^2 در آزمون کرویت بارت‌لت نیز معنادار بود ($\chi^2 = ۱۸۸۰/۵۳$ ؛ $df = ۱۳۶$ ؛ $p < ۰/۰۰۰۱$). تحلیل عاملی، به استخراج یک عامل کلی با ارزش ویژه[1]ی ۹ منجر شد، که این عامل ۵۶درصد از کل واریانس را تبیین می‌کرد. بار عاملی گویه‌ها در دامنه‌ی ۰/۴۹ تا ۰/۸۶ در نوسان بود و تنها یک گویه به دلیل بار عاملی پایین حذف شد، که با حذف این گویه، ضریب آلفای کرون‌باخ از ۰/۷۰ (برای مقیاس اولیه) به ۰/۹۴ تغییر یافت و بیان‌گر پایایی مطلوب مقیاس مورد بحث بود.

۴- پرسش‌نامه‌ی رفتاری کودکان[2]- در زمینه‌ی اختلالات رفتاری کودکان، از پرسش‌نامه‌ی رفتاری کودکان (آخن‌باخ و ادل‌بروک[3] ۱۹۸۳، برگرفته از سامانی ۱۳۷۵) استفاده شد. این مقیاس شامل ۷۱ گویه است، که شش عامل پرخاش‌گری، ناپختگی رفتار، گوشه‌گیری اجتماعی، اختلال‌های کرداری، وسواس، و اضطراب را می‌سنجد. در مقابل هر کدام از گویه‌ها، سه گزینه‌ی «بیش‌تر اوقات»، «گاهی اوقات»، و «هرگز» قرار دارد و نمره‌ی دو به گزینه‌ی «بیش‌تر اوقات»، یک به «گاهی اوقات»، و صفر به «هرگز» تعلق می‌گیرد.

در پژوهش *سامانی* (۱۳۷۵)، به منظور بررسی روایی محتوایی پرسش‌نامه‌ی رفتاری کودکان، علاوه بر نظرخواهی از متخصصان رشته‌ی روان‌شناسی، گفته‌شده‌است که مقایسه‌ی محتوای این پرسش‌نامه با دیگر مقیاس‌های رفتاری (نظیر مقیاس رفتاری کوای[4] و مقیاس

---

[1] Eigen Value
[2] The Child Behavior Checklist (CBCL)
[3] *Achenbach, Thomas M.*, and *Craig Edelbrock*
[4] *Quay, Herbert C.*

رفتاری کانرز[1]) نیز بیان‌گر روایی محتوایی پرسش‌نامه‌ی رفتاری کودکان است؛ هم‌چنین، در پژوهش *سامانی* (۱۳۷۵) برای احراز روایی سازه‌یی پرسش‌نامه‌ی مذکور از تحلیل عامل استفاده شد، که در آن ارزش ویژه‌ی عامل‌های پرخاش‌گری، گوشه‌گیری، و اضطراب بیش از سایر عوامل مطرح شده‌است. این پژوهش نیز به همین دلیل، با انتخاب سه عامل مذکور، ۳۴ سوآل مربوط به این عوامل را در پرسش‌نامه گنجاند.

در پژوهش حاضر به منظور بررسی روایی سازه‌یی پرسش‌نامه‌ی رفتاری کودکان، از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. مقدار شاخص کفایت نمونه‌گیری کای‌زر-مه‌یر-اولکین برابر با ۰/۶۹ و مقدار χ^2 در آزمون کرویت بارت‌لت معنادار بود ($p < ۰/۰۰۰۱$؛ $df = ۵۶۱$؛ $\chi^2 = ۱۹۶۰/۸۷$). سه عامل مطرح‌شده، که ۵۷/۷۳درصد از کل واریانس را تبیین می‌کردند، نیز به وسیله‌ی *سامانی* (۱۳۷۵) تأیید شد.

پایایی پرسش‌نامه‌ی رفتاری کودکان، با استفاده از روش بازآزمایی، به وسیله‌ی *سامانی* (۱۳۷۵) مورد بررسی قرار گرفته‌است. در پژوهش حاضر نیز به منظور بررسی پایایی پرسش‌نامه‌ی رفتاری کودکان، از روش آلفای کرون‌باخ استفاده شد، که مقدار عددی این ضریب برای سوآل‌های مربوط به عوامل خرده‌مقیاس‌های پرخاش‌گری، گوشه‌گیری، و اضطراب، برابر با ۰/۸۴، ۰/۸۲، و ۰/۶۱ بود.

یافته‌ها

سوآل اول پژوهش حاضر، پیش‌بینی رضایت از روابط زناشویی بر اساس دشواری کار زنان بود، که بدین منظور از تحلیل رگرسیون استفاده شد و نتیجه نشان داد که دشواری کار زنان شاغل، پیش‌بینی‌کننده‌یی معنادار برای رضایت از روابط زناشویی نیست ($p < ۰/۰۸$؛ $\beta = -۰/۱۴$).

در مورد سوآل دوم و این که آیا دشواری کار زنان، اختلالات رفتاری کودکان (شامل پرخاش‌گری، گوشه‌گیری، و اضطراب) را پیش‌بینی می‌کند یا خیر، در تحلیل‌های رگرسیونی جداگانه، سه نمره‌ی مربوط به اختلالات پرخاش‌گری، گوشه‌گیری، و اضطراب به عنوان متغیر پیش‌بینی‌شونده وارد معادله شدند و نتایج نشان داد دشواری کار زنان در زمینه‌ی اولین بُعد اختلالات رفتاری، یعنی پرخاش‌گری، پیش‌بینی‌کننده‌یی معنادار است ($p < ۰/۰۲$؛ $\beta = ۰/۱۸$)، اما در دو بُعد دیگر، یعنی گوشه‌گیری ($p < ۰/۰۷۶$؛ $\beta = ۰/۱۰$) و اضطراب ($p < ۰/۰۹$؛ $\beta = ۰/۰۸$)، این امر صادق نیست. خلاصه‌ی نتایج این تحلیل‌ها در **جدول ۲** ارائه شده‌است.

[1] Conners Behavior Rating Scale

جدول ۲- پیش‌بینی اختلال‌های رفتاری فرزندان، بر اساس دشواری کار مادران

متغیرپیش‌بین	متغیر وابسته	R	R^2	β	p
دشواری کار مادران	پرخاش‌گری	۰/۱۸	۰/۰۳۴	۰/۱۸	۰/۰۲
	گوشه‌گیری	۰/۱۰	۰/۰۱	۰/۱۰	۰/۰۸
	اضطراب	۰/۰۸	۰/۰۰۷	۰/۰۸	۰/۰۷

برای پاسخ‌گویی به سوآل سوم پژوهش حاضر و این که «آیا مشارکت مردان (یا هم‌کاری همسر) در امور خانه، رضایت از روابط زناشویی را پیش‌بینی می‌کند؟»، بر پایه‌ی نتیجه‌ی تحلیل رگرسیونی، هم‌کاری همسر به طوری معنادار رضایت از روابط زناشویی را پیش‌بینی می‌کند ($\beta = ۰/۶۵$ ؛ $p < ۰/۰۰۰۱$). در **جدول ۳** خلاصه‌ی نتایج این تحلیل ارائه شده‌است.

جدول ۳- پیش‌بینی رضایت از روابط زناشویی، با توجه به هم‌کاری همسران

متغیرپیش‌بین	متغیر وابسته	R	R^2	β	p
هم‌کاری همسران	روابط زناشویی	۰/۶۵	۰/۴۲	۰/۶۵	۰/۰۰۰۱

در پاسخ به سوآل چهارم پژوهش، و این که آیا مشارکت مردان در امور خانه، اختلالات رفتاری کودکان را به طور منفی پیش‌بینی می‌کند یا خیر، تحلیل‌های رگرسیونی نتایج، برای ابعاد پرخاش‌گری ($\beta = ۰/۱۱$ ؛ $p < ۹$)، گوشه‌گیری ($\beta = -۰/۸۵$ ؛ $p < ۰/۰۶۶$)، و اضطراب ($\beta = -۰/۰۳$ ؛ $p < ۰/۰۷$) نشان داد که متغیر مشارکت مردان هیچ کدام از این ابعاد اختلالات رفتاری را پیش‌بینی نمی‌کند.

سوآل پنجم این پژوهش، در مورد امکان پیش‌بینی اختلالات رفتاری فرزندان بر اساس رضایت از روابط زناشویی بود. یافته‌ها نشان داد که رضایت از روابط زناشویی، بُعد پرخاش‌گری ($\beta = -۰/۲۰$ ؛ $p < ۰/۰۱$) و گوشه‌گیری ($\beta = -۰/۲۴$ ؛ $p < ۰/۰۰۳$) را به طوری معنادار پیش‌بینی می‌کند، اما در مورد بُعد اضطراب، پیش‌بینی‌کننده‌یی معنادار نیست ($\beta = ۰/۰۴$ ؛ $p < ۰/۰۷۸$). در **جدول ۴** خلاصه‌ی نتایج تحلیل‌های مربوط به این سوآل نشان داده‌شده‌است.

جدول ۴- پیش‌بینی اختلال‌های رفتاری فرزندان، بر اساس رضایت از روابط زناشویی والدین

متغیرپیش‌بین	متغیر وابسته	R	R^2	β	p
رضایت از روابط زناشویی	پرخاش‌گری	۰/۲۰	۰/۰۴	−۰/۲۰	۰/۰۱
	گوشه‌گیری	۰/۲۲	۰/۰۵	−۰/۲۲	۰/۰۳
	اضطراب	۰/۱۲	۰/۰۱	−۰/۱۲	بی‌معنا

در مورد سوآل ششم و این که آیا دشواری کار و هم‌کاری همسر با حضور متغیر رضایت از روابط زناشویی در معادله‌ی رگرسیون، اختلالات رفتاری کودکان را پیش‌بینی می‌کنند یا خیر، نتایج نشان داد از میان سه متغیر پیش‌گفته برای پیش‌بینی پرخاش‌گری، متغیر دشواری کار ($p < ۰/۰۱$؛ $\beta = ۰/۱۹$) دارای قدرت پیش‌بینی‌کنندگی معناداری است، اما در مورد متغیرهای رضایت از روابط زناشویی ($p < ۰/۰۸$؛ $\beta = -۰/۱۷$) و هم‌کاری همسر ($p < ۰/۰۶۸$؛ $\beta = -۰/۰۱$)، چنین وضعیتی حکم‌فرما نیست؛ هم‌چنین، در مورد تأثیر هم‌زمان متغیرهای دشواری کار و هم‌کاری همسر بر بُعد گوشه‌گیری، با حضور متغیر رضایت از روابط زناشویی در معادله رگرسیونی، یافته‌ها نشان دادند که تنها رضایت از روابط زناشویی است که گوشه‌گیری کودکان را به طوری معنادار پیش‌بینی می‌کند ($p < ۰/۰۰۵$؛ $\beta = -۰/۲۸$) و دو متغیر دشواری کار ($p < ۰/۰۷$؛ $\beta = -۰/۰۷$) و هم‌کاری همسر ($p < ۰/۰۶۱$؛ $\beta = -۰/۱۴$) نمی‌توانند پیش‌بینی‌کننده‌یی معنادار برای گوشه‌گیری باشند. در **جدول ۵** خلاصه‌ی نتایج آماری تحلیل‌های اخیر ارائه شده‌است.

جدول ۵- پیش‌بینی اختلال‌های فرزندان، با توجه به دشواری کار مادر، هم‌کاری همسر، و رضایت از روابط زناشویی

متغیر وابسته	متغیر پیش‌بین	R	$R^۲$	β	p
پرخاش‌گری	دشواری کار	۰/۲۸	۰/۰۸	۰/۱۹	۰/۰۱
	هم‌کاری همسر			-۰/۰۰۹	بی‌معنا
	روابط زناشویی			-۰/۱۷	بی‌معنا
گوشه‌گیری	دشواری کار	۰/۲۶	۰/۰۶	۰/۰۷	بی‌معنا
	هم‌کاری همسر			۰/۱۴	بی‌معنا
	روابط زناشویی			-۰/۳۰	۰/۰۰۵
اضطراب	دشواری کار	۰/۱۹	۰/۰۳	۰/۰۶	بی‌معنا
	هم‌کاری همسر			۰/۱۷	بی‌معنا
	روابط زناشویی			-۰/۲۳	۰/۰۴

همان گونه که از **جدول ۵** برمی‌آید، نتیجه‌ی تحلیل رگرسیونی برای عامل اضطراب، به عنوان متغیر پیش‌بینی‌شونده، نشان داد که متغیرهای دشواری کار ($p < ۰/۰۸$؛ $\beta = ۰/۰۶$) و هم‌کاری همسر ($p < ۰/۰۷۵$؛ $\beta = ۰/۱۷$) نتوانسته‌اند مقداری معنادار از واریانس اضطراب را تبیین کنند، ولی رضایت از روابط زناشویی ($p < ۰/۰۴$؛ $\beta = -۰/۲۳$) توانسته‌است پیش‌بینی‌کننده‌یی معنادار برای اضطراب کودکان باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی تأثیر دشواری کار زنان شاغل و هم‌کاری همسران آن‌ها در امور منزل بر رضایت آنان از روابط زناشویی و نیز بررسی تأثیر همه‌ی این متغیرها بر اختلالات رفتاری فرزندان، هدف پژوهش حاضر است؛ در همین راستا شش سوآل پژوهشی مطرح شد که در ادامه، ضمن ارائه‌ی نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، نکات قابل‌بحث و تبیین‌های مرتبط با آن‌ها ارائه شده‌اند.

در بررسی سوآل اول پژوهش معلوم شد که دشواری کار زنان، رضایت از روابط زناشویی را، دست‌کم با توجه به اطلاعات جمع‌آوری‌شده در این پژوهش، به طوری معنادار پیش‌بینی نمی‌کند و این یافته از چند جنبه نیازمند توجه و تبیین است؛ اول آن که تقریباً بخشی عمده از ادبیات پژوهشی، بیان‌گر رابطه (اعم از مثبت و منفی)ی اشتغال زنان و رضایت از روابط زناشویی است (برای نمونه، ری‌نولدز، کالندر، و ادواردز[1] ۲۰۰۳) و هرچند برخی پژوهش‌ها رابطه‌یی در این مورد به دست نیاوردند (برای نمونه، عباسی گرمرودی ۱۳۷۵)، یافته‌ی مورد بحث را می‌توان به نوعی با یافته‌های گروه دوم هم‌سو دانست. دوم آن که مشاغل مادرانی که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفتند، واریانس کمی دارد؛ یعنی به طور کلی، مادرانی که به مشاغل سطح متوسط و بالاتر (مانند پزشکی، وکالت، دبیری، پرستاری، و نظایر آن، که به طور ذاتی مستلزم رشد فرهنگی بالاتر اند) اشتغال دارند، با ثبت‌نام فرزندان خود در مهد کودک (با تنوع و تفاوت در نوع خدمات ارائه‌شده)، سعی در جبران عدم حضور خود در کنار فرزندان‌شان دارند. این مسئله زمانی مهم‌تر می‌شود که بدانیم استفاده از خدمات و امکانات مهدکودک‌ها، در بسیاری از موارد نیازمند صرف هزینه‌های مالی است و این امر نمی‌تواند با درآمد مادران شاغل در سطوح پایین رده‌بندی مشاغل هماهنگ باشد. مسئله‌ی دیگر این یافته نیز تعداد آزمودنی‌ها و امکان حصول یافته‌هایی متفاوت در مورد رابطه‌ی بین متغیرهای مورد بحث، هنگام انجام پژوهش با حجم نمونه‌ی بیش‌تر است.

یافته‌ی دیگر این پژوهش، که در واقع حاصل تحلیل‌های انجام‌شده برای پاسخ‌گویی به سوآل دوم پژوهش بود، نشان داد که دشواری کار مادر، از بین اختلالات رفتاری کودکان، تنها عامل پرخاش‌گری را پیش‌بینی می‌کند. تبیینی که می‌توان مطرح کرد این است که مشاغل دشوار و سخت، فشار بیش‌تری را بر مادر وارد می‌کند و در نتیجه انتظار است که این خستگی و فشار، هنگام درخواست‌ها و اشتباه‌های کودک، به صورت خشونت

[1] *Reynolds, Tracey*, *Claire Callender*, and *Rosalind Edwards*

در کلام و رفتار نمود پیدا کند و با توجه به این که اولین الگوی رفتاری کودک، مادر است، این روش ارتباطی مورد الگوبرداری کودک واقع شود؛ بنا بر این، ممکن است فشار واردشده از کار بر مادر، پس از انتقال به کودک، منجر به ناسازگاری در رفتار و متوسل شدن به خشونت و پرخاش‌گری در برابر دیگران شود. این یافته با پژوهش *بلسکی* و *اگه‌بین*[1] (۱۹۹۱) و *گرین‌اشتاین*[2] (۱۹۹۳) هم‌سویی دارد و بر پایه‌ی یافته‌های پژوهش‌گران مذکور، کودکانِ مادران شاغل در مقایسه با کودکان مادران غیرشاغل، به طوری معنادار، نمرات سازگاری رفتاری پایین‌تری را کسب کرده‌اند.

در زمینه‌ی عدم پیش‌بینی گوشه‌گیری بر اساس دشواری کار مادر، این توجیه قابل‌طرح است که مادران شاغل، به دلیل اشتغال، فرصت نگاه‌داری تمام‌وقت از کودک را ندارند؛ بنا بر این در زمان عدم حضور مادر در خانه، دیگر اعضای خانواده و یا مؤسسه‌های نگاه‌داری از کودکان، این مسئولیت را به عهده می‌گیرند، که این امر منجر به تعامل بیش‌تر کودک با دیگر اعضای جامعه و افزایش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی می‌شود؛ پس دور از انتظار نیست که اشتغال مادر در زمینه‌ی گوشه‌گیری، تأثیری معنادار نداشته‌باشد.

اضطراب یکی از اختلالات روان‌شناختی است که بی‌قراری، پرخاش‌گری، و تحمل نکردن دیگران از مشخصات آن است و در برخی از کودکان به صورت ناخن جویدن و کج‌خلقی بروز می‌کند؛ بنابراین با توجه به این که نمود رفتاری اضطراب، به‌صورت اختلالات دیگر بیرونی است، ممکن است والدین در شناسایی آن دچار اشتباه شده، آن را به عنوان اختلالات بیرونی آشکار، تشخیص دهند. *هاول*[3] (۱۹۷۳، برگرفته از یارایی ۱۳۷۸) و *فاین*، *گاریبولدی*، و *بونی*[4] (۱۹۹۳) در زمینه‌ی اضطراب و دیگر رفتارهای ضداجتماعی، عدم تفاوت معنادار را بین کودکان مادران شاغل و غیرشاغل گزارش داده‌اند؛ بدین ترتیب، عدم پیش‌بینی اضطراب را با توجه به دشواری کار مادر می‌توان تبیین کرد.

سوآل سوم پژوهش، مربوط به هم‌کاری همسران در خانواده‌هایی است که مادران، شاغل اند. پس از بررسی نقش این هم‌کاری در افزایش رضایت از روابط زناشویی در قالب یکی از سوآل‌های پژوهشی، نتایج نشان داد که مشارکت همسران زنان شاغل در امور منزل، تأثیری مستقیم و معنادار بر رضایت از روابط زناشویی دارد. این یافته با نتایجی که سایر پژوهش‌گران (برای نمونه، اریک‌سون[5] ۱۹۹۳) گزارش داده‌اند نیز هم‌سو است.

---

[1] *Belsky, Jay*, and *David Eggebeen*
[2] *Greenstein, Theodore N.*
[3] *Howell, Mary C.*
[4] *Fein, Greta G.*, *Antonio Gariboldi*, and *Raffaella Boni*
[5] *Erickson, Rebecca J.*

سوآل چهارم پژوهش بر این اساس مطرح شده‌بود که هر چه تقسیم وظایف و مشارکت همسران در منزل بیش‌تر باشد، رضایت از روابط زناشویی و به دنبال آن، تعامل والدین با فرزندان نیز بیش‌تر می‌شود و در نهایت ناسازگاری‌ها و اختلالات رفتاری کودکان کاهش می‌یابد. نتایج تحلیل‌ها نشان داد که هم‌کاری مردان در خانه، دست‌کم با توجه به اطلاعات جمع‌آوری‌شده در این پژوهش، اختلالات رفتاری کودکان را پیش‌بینی نمی‌کند. گفتنی است که در این زمینه، از پژوهش‌های پیشین نیز نتیجه‌یی مشخص قابل‌استنباط نیست و به منظور اظهار نظر و مشخص شدن وجود و عدم وجود ارتباط بین متغیرهای ذکرشده، نیاز به بررسی‌های بیش‌تر است.

در پاسخ به سوآل پنجم، در مورد تأثیر رضایت از روابط زناشویی بر اختلالات رفتاری فرزندان، تحلیل‌ها نشان داد که رضایت از روابط زناشویی، از بین اختلالات رفتاری کودکان، دو عامل پرخاش‌گری و گوشه‌گیری را به طور منفی پیش‌بینی می‌کند. بر پایه‌ی نظر *جیکوب‌سن* و *فری*[1] (۱۹۹۱) نیز انتظار چنین است که هر چه والدین رابطه‌یی بهتر با یک‌دیگر داشته‌باشند، رفتارهای فرزندان نیز به طور مثبت تأثیر پذیرد و اختلالات رفتاری کاهش پیدا کند. در زمینه‌ی اضطراب اما، رضایت از روابط زناشویی نتوانست پیش‌بینی‌کننده‌یی معنادار باشد.

بررسی این که آیا دشواری کار زنان، مشارکت مردان در امور خانه، و رضایت از روابط زناشویی، به طور هم‌زمان، اختلالات رفتاری کودکان را پیش‌بینی می‌کنند یا خیر، با توجه به نتایج حاصل می‌توان چنین فرض کرد که رضایت از روابط زناشویی، علاوه بر این که بر اختلالات رفتاری کودکان تأثیر مستقیم دارد، می‌تواند به عنوان یک متغیر واسطه‌یی بین هم‌کاری همسر و اختلالات رفتاری نیز ایفای نقش کند. بررسی درستی این فرض نیازمند انجام پژوهش‌های مقدماتی بیش‌تر و در نهایت، استفاده از تحلیل مسیر است.

بدین ترتیب، بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت که بین رضایت از روابط زناشویی و اختلالات رفتاری کودکان، رابطه‌یی منفی؛ بین اختلالات رفتاری کودکان (و به طور مشخص پرخاش‌گری) و دشواری کار مادران شاغل، ارتباط مثبت؛ و بین هم‌کاری مردان در امور خانه و اختلالات رفتاری کودکان هیچ رابطه‌یی وجود ندارد.

از میان محدودیت‌های پیش روی پژوهش حاضر می‌توان به این مسئله اشاره کرد که بیش‌تر افراد حاضر نیستند برای تکمیل پرسش‌نامه‌ها وقت و دقت کافی صرف کنند و ایجاد انگیزه‌ی درونی برای همه‌ی آن‌ها و در همه‌ی موقعیت‌ها مشکل است؛ از سوی دیگر،

[1] *Jacobson, Sandra W., and Karen F. Frye*

امکانات لازم جهت ایجاد انگیزه‌ی بیرونی هم در اختیار پژوهش‌گران قرار نمی‌گیرد و این امر به طور حتم از روایی نتایج خواهدکاست. در این پژوهش، برخی مادران شاغل، به‌رغم ارائه‌ی تشویق‌های کلامی و توضیحات لازم در مورد علمی و محرمانه بودن اطلاعاتی که از طریق تکمیل پرسش‌نامه در اختیار پژوهش‌گران قرار می‌دهند، حاضر به هم‌کاری با پژوهش‌گران و تکمیل پرسش‌نامه‌های مربوط به پژوهش نشدند و این مسئله باعث کاهش حوزه‌ی تعمیم‌دهی نتایج شد.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، حجم نمونه‌ی بیش‌تری مورد بررسی قرار گیرد و نیز به این مسئله توجه شود که انجام پژوهش‌های مشابه با این پژوهش، در دوره‌های تحصیلی دیگر، مقایسه‌ی فرزندان مادران شاغل و خانه‌دار، و تأثیر اشتغال مادر بر فرزندان دختر و پسر می‌تواند مفید باشد.

منابع

ابراهیمی، عصمت. ۱۳۷۲. «بررسی تأثیر اشتغال مادر بر سازگاری اجتماعی دختران دوره‌ی دبستانی در شهر تهران.» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران، تهران.

احمدی، علی‌اصغر، و *سیدحسن تقوی*. ۱۳۸۲. «تأثیر اشتغال مادران بر کارکرد رفتاری و آموزشی فرزندان.» ***پژوهش زنان*** ۱(۵):۱۰۵–۱۲۴.

اونادی، مریم. ۱۳۸۰. «بررسی تأثیر اشتغال زن بر سلامت روانی همسر.» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا، تهران.

خیر، محمد. ۱۳۷۶. «بررسی رابطه‌ی برخی از شاخص‌های طبقه‌ی اجتماعی با پیش‌رفت تحصیلی در گروهی از دانش‌آموزان سال اول دبیرستان نظام جدید.» ***مجله‌ی علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*** ۱۲(۲):۷۷–۱۱۴.

خیر، محمد، و *سیامک سامانی*. ۱۳۸۳. «مقایسه‌ی سلامت روانی-اجتماعی، بهداشت عمومی، رضایت از زندگی در بین مادران شاغل و خانه‌دار در شهر شیراز.» گزارش طرح پژوهشی، معاونت پژوهشی دانشگاه شیراز، شیراز.

دانش، عصمت، و *نرگس سلیمی‌نیا*. ۱۳۸۵. «نیازهای دسته‌ی الف مورای در کودکان سه تا ۱۰ساله‌ی مادران شاغل و خانه‌دار.» ***اندیشه و رفتار: مجله‌ی روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*** ۱۲(۴):۳۷۱-۳۷۹.

سامانی، سیامک. ۱۳۷۵. «بررسی اعتبار و قابلیت اطمینان مقیاس CBCL.» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران.

عباسی گرمرودی، علی‌اکبر. ۱۳۷۵. «بررسی رابطه‌ی بین اشتغال زنان و رضایت زناشویی آنان.» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد رودهن، رودهن.

کاووسیان، جواد، و *پروین کدیور*. ۱۳۸۴. «نقش برخی عوامل خانوادگی در خودپنداره‌ی خانوادگی دانش‌آموزان دبیرستانی.» ***رفاه اجتماعی*** ۵(۱۹):۹۱–۱۱۱.

مهدی‌زادگان، ایران. ۱۳۷۰. «اشتغال مادران و اختلالات رفتاری کودکان.» ***بهداشت جهان*** ۱۳(۳۸):۳۲–۳۷.

هوشنگ، محمدعلی. ۱۳۷۸. «بررسی اختلالات عاطفی-رفتاری میان دانش‌آموزان مقطع ابتدایی دارای مادران شاغل و غیرشاغل در سطح شهرستان جهرم.» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز.

یارایی، طاهره. ۱۳۷۸. «تأثیر اشتغال مادران در پنج سال اول زندگی کودک بر رشد شناختی و اجتماعی کودکان دبستانی.» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز.

یوسفی، معصومه. ۱۳۸۰. «بررسی تأثیر عوامل مرتبط با اشتغال زنان بر بروز اختلافات خانوادگی: مطالعه‌ی واحدهای تولیدی شهر شیراز.» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز.

Aughinbaugh, Alison, and *Maury Gittleman*. 2004. "Maternal Employment and Adolescent Risky Behavior." ***Journal of Health Economics*** 23(4):815–838

Baum, Charles L. 2004. "The Long-Term Effects of Early and Recent Maternal Employment on a Child's Academic Achievement." ***Journal of Family Issues*** 25(1):29–60.

Baydar, Nazli, and *Jeanne Brooks-Gunn*. 1991. "Effects of Maternal Employment and Child-Care Arrangements on Preschoolers' Cognitive and Behavioral Outcomes: Evidence from the Children of the National Longitudinal Survey of Youth." ***Developmental Psychology*** 27(6):932–945.

Belsky, Jay, and *David Eggebeen*. 1991. "Early and Extensive Maternal Employment and Young Children's Socioemotional Development: Children of the National Longitudinal Survey of Youth." ***Journal of Marriage and the Family*** 53(4):1083–1098.

Benasich, April Ann, and *Jeanne Brooks-Gunn*. 1996. "Maternal Attitudes and Knowledge of Child-Rearing: Associations with Family and Child Outcomes." ***Child Development*** 67(3):1186–1205.

Erickson, Rebecca J. 1993. "Reconceptualizing Family Work: The Effect of Emotion Work on Perceptions of Marital Quality." *Journal of Marriage and the Family* 55(4):888–900.

Fein, Greta G., *Antonio Gariboldi*, and *Raffaella Boni*. 1993. "Antecedents of Maternal Separation Anxiety." ***Merrill-Palmer Quarterly*** 39(4):481–495.

Gordon, Rachel A., *Robert Kaestner*, and *Sanders Korenman*. 2007. "The Effects of Maternal Employment on Child Injuries and Infectious Disease." ***Demography*** 44(2):307–334.

Gottfried, Adele Eskeles, *Allen W. Gottfried*, and *Kay Bathurst*. 1988. "Maternal Employment, Family Environment, and Children's Development: Infancy through the School Years." Pp. 11–58 in ***Maternal Employment and Children's Development: Longitudinal Research***, edited by *Adele Eskeles Gottfried* and *Allen W. Gottfried*. New York, NY, USA: Plenum Press.

Greenstein, Theodore N. 1993. "Maternal Employment and Child Behavioral Outcomes: A Household Economics Analysis." ***Journal of Family Issues*** 14(3):323–354.

Han, Wen-Jui, *Jane Waldfogel*, and *Jeanne Brooks-Gunn*. 1999. "Long-Run Effects of Early Maternal Employment on Children's Achievement and Behavior." Paper presented at the 64th Annual Meeting of Population Association of America, 25–27 March 1999, New York, NY, USA.

Huston, Aletha C., and *Stacey Rosenkrantz Aronson*. 2005. "Mothers' Time with Infant and Time in Employment as Predictors of Mother-Child Relationships and Children's Early Development." ***Child Development*** 76(2):467–482.

Jacobson, Sandra W., *and Karen F. Frye*. 1991. "Effect of Maternal Social Support on Attachment: Experimental Evidence." ***Child Development*** 62(3):572–582.

McCartney, Kathleen, and *Saul Rosenthal*. 1991. "Family Mediators of the Effects of Maternal Employment in the First Year of Life." Paper Presented at the Biennial Meetings of the Society for Research in Child Development, 18–20 April 1991, Seattle, WA, USA.

Parcel, Toby L., and *Elizabeth G. Menaghan*. 1990. "Maternal Working Conditions and Children's Verbal Facility: Studying the Intergenerational Transmission of Inequality from Mothers to Young Children." ***Social Psychology Quarterly*** 53(2):132–147.

———. 1994a. "Early Parental Work, Family Social Capital, and Early Childhood Outcomes." ***The American Journal of Sociology*** 99(4):972–1009.

———. 1994b. ***Parents' Jobs and Children's Lives***. New York, NY, USA: Aldine de Gruyter.

Reynolds, Tracey, *Claire Callender*, and *Rosalind Edwards*. 2003. ***Caring and Counting: The Impact of Mothers' Employment on Family Relationships***. New York, NY, USA: Policy Press.

Roberts, Paul. 2002. "The Effect of Changes in Maternal Employment and Family Composition on Children's Behavior." Working Paper No. W-02-3-2E, Applied Research Branch, Strategic Policy, Human Resources Development Canada, Hull, Quebec, Canada. Retrieved 1 May 2006 (http://www.hrsdc.gc.ca/en/cs/sp/sdc/pkrf/publications/research/2002-002373/page00.shtml).

Rogers, Stacy J., *Toby L. Parcel*, and *Elizabeth G. Menaghan*. 1991. "The Effects of Maternal Working Conditions and Mastery on Child Behavior Problems: Studying the Intergenerational Transmission of Social Control." ***Journal of Health and Social Behavior*** 32(2):145–164.

Rosenthal, Saul. 1993. "The Social Ecology of Early Maternal Employment: Effects on Verbal Intelligence and Behavior Problems in a National Sample." Paper Presented at the Biennial Meetings of the Society for Research in Child Development, 25–28 March 1993, New Orleans, LA, USA.

Ruhm, Christopher J. 2006. "Maternal Employment and Adolescent Development." Retrieved 26 September 2007 (http://www.uncg.edu/eco/cjruhm/papers/maternal.pdf).

Quay, Herbert C. 1983. "A Dimensional Approach to Behavior Disorder: The Revised Behavior Problem Checklist." ***School Psychology Review*** 12(3):244–249.

Vandell, Deborah Lowe, and *Janaki Ramanan*. 1992. "Effects of Early and Recent Maternal Employment on Children from Low-Income Families." ***Child Development*** 63(4):938–949.

نویسندگان

زهرا اقدامی

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی

z_eghdami@yahoo.com

مدرس مدعو دانشگاه پیام نور و جامع علمی-کاربردی، شیراز؛

هم‌کار مراکز مشاوره‌ی شیراز.

دکتر مسعود حسین‌چاری

استادیار دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز

hchari@shirazu.ac.ir

از وی تا کنون مقالاتی در زمینه‌ی فرهنگ مدرسه، مهارت‌های ارتباطی، اختلالات رفتاری و روان‌شناسی مذهبی به چاپ رسیده‌است.